###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

######  واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**ناصرالدين شاه و لشکرکشی به تركمن**

**چکیده**

 اين لشكر كشي آن چنان كه از اهداف آن بود براي ايران عايدي نداشت .وسرخس نيز فتح نشد و اين عدم توفيق را به واسطه بروز بعضي مشكلات جوي وسياسي منطقه دانسته اند . گر چه مي توانستند با كمي جرات به خرج دادن كل تركستان را فتح كنند ويا روشي بكار برند تا كل تركمن به طرف قاجار برگردند چرا كه خان خوارزم نيز ان جارا ترك كرده بود وتركمن ها از او چندان دلخوشي نداشتند وكوچك ترين محبتي ان ها را به طرف خود جلب مي كرد روابط بعدي مردم سرخس با خان خيوه اين موارد را تاييد ميكند.

 انها از رفتن خان خوارزم نيز فهميدن كه خان براي انها نمي تو اند پشتيبان وتكيه گاه خوبي باشد وانها را در مقابل حاكم خراسان تنها گذاشته رفته بود كه اين با عث شد كه تركمن ها در فكر دفاع از خود با تكيه بردرايت خود باشند ولي اكنون بايد در مقابل حسام السلطنه چاره اي مي انديشيدند

 وقتي لشكر خوارزم از مرو بيرون شد و به سوي خوارزم رفت اهل سرخس جهت امان يافتن از لشكريان قاجار اظهار بندگي كردند و صد نفر از ريش سفيدان وكدخدايان معتبر سرخس را روانه ي مشهد كردند 1 تا بلكه از هجوم لشكر قاجار ممانعت بعمل اورند انها از شاهزاده خواستند كه حاكمي از طرف خود براي انها تعيين كندحسام السلطنه نيز ضمن پذيرايي از آنها عباسقلي ، بيگلر بيگي مشهد را جهت حكومت سرخس مشخص كرده و با آنها روانه كرد 2و به بزرگان سرخس خلعت و اميدواري دادند.3

 اما او پس از چند ماه حكومت در سر خس از ان جا فرار كرد و بهانه ي اواين بود كه مردم سرخس با امير احمد خان جمشيدي آدم خان رابطه دارند .4 در اين واقعه جعفر آقاي كلاتي با تركمن ها يار شد ولي عملكرد بعدي تركمن ها عدم صحت ادعاي اورا ثابت مي كند چون كه بعداز فرار او از سرخس .

در سال 1268 ه ق 1852 م ارازخان با جمعي ديگر از تركمانان سرخس وارد مشهد مقدس شده وتعهد خدمت كرد ند و چند تن از متعلقات خود را به نوا(( گروگان )گذاشت . همچنين تركمن هاي مرو نيز اظهار بندگي كردند 5 كه حسام السلطنه به آنها نيزخلعت داد

ا .اعتمادالسطنه ،محمدحسن خان **؛ مرات البلدان** ، ص 1053و1073

2 خور موجي ، **حقايق الاخبار ناصري** ، ص92

**3 وقايع اتفاقيه** ، سال 68 نمره ي41 ، 19 محرم ص2

4 لسان الملك ، **همان منبع**، ص 1124

5 **. وقايع اتفاقيه** ، 14 محرم 1269 ،نمره ي91

 درين ديدار اراز خان سرخسي با پنجاه نفر نزد حسام السطنه امدند و قرار شد كه هميشه در مشهد بمانند و پنجاه نفر ديگر نيز مشغول خدمت باشند و صد نفر ديگر در قراولخانه ي انجا خدمت كنند 1

.درين سال كه كار خراسان داشت سامان مي يافت كار استر اباد برمراد نمي رفت چون كه بيگربيگي استر آباد وجعفر قلي خان قراجه داغي مير پنجه به تركمن هاي گرگان تاخته بودند و گوسفندان وشتران بسيار غارت كرده بودند و تركمن ها شورش كرده بودند در جنگ هاي استر آباد رئيس تركمنان ذوالنون نامي بود كه در حين جنگ كشته شد وبقيه آنها به ماورا گرگان رود كوچ كردند وقراخان رئيس وريش سفيد آتاباي در دست بيگربيگي در اسارت بود گرچه قراخان از بندگان دربار بود.

 جعفر قلي خان ومحمد خان برروي گرگان بندي درست كردند و در سلطان آباد كه به حكم شاه درست شده بود لشكر گاهي ساختند.ولي تركمانان آنجا را محاصره كردند وآخر سر جعفر قلي مجبور به برگشت به آق قلعه شد2 اما در امتداد گرگان قراول خانه ها ساختند ، به غير از آن به دستور امير كبير آنها را تشويق به شهر نشيني و كشاورزي كردند3. رضا قلي خان كه از سفارت خوارزم از راه استر آباد مي آمد خود از كرده ي حكام محلي استر آباد نسبت به تركمن اظهار تأسف مي كند و ضعيت صحرا را بسيار متشنج مي خواند4 به هر حال پس از كشته شدن ذوالنون كه شخصي مذهبي بود و از طرف خان خوارزم جهت مقابله با لشكريان آمده بود.5 تركمن ها پراكنده شدند و گروهي به حضور بيگر بيگي استر آباد آمده و اظهار خدمت نمودند وجعفر قلي خان قراجه داغي مير پنجه و سردار استر آباد محمد ولي خان آنها را كه 12 نفر بودند به دارالخلانه ( تهران ) آوردند كساني چون آدينه نظر خان از جعفر باي وقلي خان از آتاباي ، بايلي خان دوجي ، ولي سردار دازي ، آدينه قليچ سردار تاتار وقجق وبيك فولاد سلاق خدر نظرخان غراوي وبهلكه ، صاين قلي قانقرمه واباريش سفيد بدراق وخضر ريش سفيد يمرلي ونوبت بيگ بزرگ بايرام شالي كه اين افراد مورد الطاف شاهنشاهي شدند 6.

بدين طريق در گرگان آرامشي پديد آمد وچنين اطاعتي از تركمن ها در طي ساليان دراز ديده نشده بود. 7

1 اعتماد السلطنه ، محمد حسن خان **،تاريخ منتظم ناصري** ج3 ص174.

 2. لسان الملك، **همان منبع،** ص1131

3 .ادميت ، فريدون ؛ **امير كبير وايران**، (تهران ،خوارزمي 1355 )،ص 122

4 هدايت ، **روضه الصفاي ناصري** ،ج14 ،ص8564

5 .**همان منبع**، همان جا

6 لسان الملك ، **همان منبع ،** ص1178

7 .ادميت ، فريدون ، **همان منبع** ، ص 601

 اما دوباره منطقه ي اخال دچار تنش شد وتركمن هاي اين منطقه به داخل خراسان بيشتر شد و چون شورش هرات نيز روي داده بود تركمن ها نهايت استفاده كرده و به دهات جام وقوچان و شاهرود وبسطام حملات گسترده داشتند وبعضي اوقات موفق مي شدند وبعضي اوقات مأيوسانه بر مي گشتندحسام السلطنه براي جلوگيري از حملات آنها دو قلعه در آق دربند ومزدوران ايجاد مي كند ودرهر يك شمخالچي وتفنگچي مي گذارد1 و 5000 هزار زرع ديوار كردند در مزدوران در قلعه ي آنجا 100 سرباز و 1000 هزار سوار و 2 عراوه توپ گذاشتند و در آق دربند كه 4 برج و 6000 زرع ديوار ساخته بودند و 150 تن شمخالچي. براي ان گماشته بودند .مأمور اين امور اسكندر خان پسر حسين پاشاخان مراغه اي وعباس قلي خان دره جزي بود 2

پس از مرگ اميركبير كه اين كار ها در استر اباد وخراسان به دستور او انجام مي شد مرگ او وسياست ميرزا آقاخان نوري ونشان دادن ضعف از خود وتلمس به خان خوارزم وضعف خود تركمانان به علت اختلافات بين ساروق وتكه وسالور و درگيرهاي مرزي با قاجار خان خوارزم موقعيت را براي سركوب اهالي مرو وسرخس مناسب ديدو براي گرفتن زكات تركمن هاي آخال حركت كرد( 1269 ه ق / 1853 م )اهالي مرو كه از دست خوارزميان به ستوه آمده بودند پسر خليفه عبدالرحمن مروي ( قاضي شهر ) يعني رحمان ويردي را با بزرگان به مشهد فرستادند .3

واز حسام السلطنه درخواست ياري كردند و براي اينكه پاي دخالت ايران را در برابر خوارزم باز كنند از او خواستند كه براي آنها حاكمي از بين سران بفرستد لذا شاهزاده عباسقلي خان بيگربيگي دره جزي را به حكومت مرو تعيين كرده و او را با150 نفر به مرو فرستاداما او مريض شده و مرد.4

شاهزاده فرزند او بهادرخان را با 400 سوار به جاي پدر فرستاد لشكريان خوارزم سه ماه مرو را در محاصره داشتند تا آنكه مرض و با بر لشكر خوارزم افتاد و خوارزميان به علت بيماري دست از محاصره برداشته وعقب نشستند اماخان از خود حاكمي تعيين كرد به نام امير احمد خان جمشيدي چون بر مرو تسلط نيافت او را در قراياب 6 فرسنگي مرو گذاشت 5

1 .خورموجي ، محمد جعفر ، **حقايق الاخبار ناصري** ، حسين خديو جم ( تهران ، ني 1363 )ص 118و 117

2 لسان الملك ، **همان منبع ،** ص95و1194

3 **وقايع اتفاقيه** ،( سال 1269 نمره ي 132 پنجم ذي القعده ) ص4 ./، ايضا، اسمعيل خان مير پنجه مي گويد ((دراين زمان تركمن ها حاكم از بك مرو يعني محمد نياز باي را كشتند ابتدا از بخارا كمك خواستند و چون نشد به)) ايران روي اوردند)) ميرپنجه ، اسمعيل سرهنگ ؛ **خاطرات اسارت** ،صفا الدين تبراييان(تهران ،مطالات فرهنگي ،1370 )ص35

4 .خور موجي **همان منبع إ** ، ص121

5 لسان الملك ، **همان منبع** ، ص1203

 تا مرو را همانطور در محاصره داشته باشد چون مير احمدخان اطراف شهر را غارت كرد قيمت غلات و كالا بالا رفت قيمت يك من گندم 15 تومان شد .اين احمد خان كه از ايل جمشيدي بود در زمان حمله ي حسام السلطنه به حاكم خيوه پناه برده بود وخان به او وايلش قول داده بود كه سرزمين انهارا برايشان برگرداند 1 واو بدان خاطر در اين امر مصر بود وبه وفادارباقي مانده بود .

 وقتي فرمانفرما حاكم خراسان شد ارازخان سرخسي وقو شيد خان و رحمن قلي وساير عظماي مرو به خدمت آمدند وقرار شد 12 خانوار گروي بگذارند و شاهزاده نيز قبول كرد كه گوسفندان آنها در اراضي خراسان چرا كنند وكسي مزاهم آنها نشود .[[1]](#footnote-1)2

جعفر آقاي كلاتي كه در حضور شاهزاده خود بار نيافته بلكه برادرش را فرستاده بود از ترس شاهزاده با 4 برادر خود وده سوار به محمد امين خان پناه برد و حكومت كلات به ميرزا ابراهيم خان سرتيپ خمسه اي رسيد .[[2]](#footnote-2)3

ميرزا فرمانفرما وقتي به كلات رسيد به سرزمين اتك نيز لشكر كشيد و شهرهاي تركمن ها يعني عشق آباد ، انو ، آخال را مورد حمله قرار داده و قلعه هاي آنها كه 36 عدد بود را خراب مي كند .

و آذوقه و اسباب آنها را آتش مي زند .[[3]](#footnote-3)4گر چه تركمن ها به حضور آمده و اظهار بندگي كرده بودند از اين كار فرمانفر ما آشفته شده وجهت گرفتن انتقام به اراضي با خزر وقريه آفريزه حمله كرده و تعدادي اسير كرده و خرمن هاي آن ها را آتش مي زنند.[[4]](#footnote-4)5

در اين هنگام نيز جعفر آقاي كلاتي جهت پس گرفتن كلات بدانجا حمله مي كند ولي نمي تواند آنجا را پس بگيرد و در اين درگيري ها برادرش نيز كشته مي شود ، همچنين محمد شيخ تركمان به كاروان سرخس كه در اين حال مخالف خان خوارزم شده بودند حمله ميكند ولي سرخسيان به خوبي از دفاع كاروان بر مي آيند وحملات آنها را دفع مي كنند 6

1. 1 اعتماد السلطنه قراگوز لو **، سفر نامه ي پسر اعتماد السطنه** ، نسخه ي خطي ص 18

 **2 روز نامه ي وقايع اتفاقيه** ، نوزدهم رمضان 1271 نمره ي 193

3 . خور موجي **، همان منبع**، ص9و 138

4 . **روز نامه ي وقايع اتفاقيه** ، نهم ربيع الاول 1271 ، نمره ي200 / ايضا، لسان الملك ، **همان منبع** ص1239

5. خور موجي ، **همان منبع** ص40 و139 / ايضا، لسان الملك ، **همان منبع ،** 1240 [↑](#footnote-ref-1)
2. 6 هدايت ، **همان منبع** ، ص 86 82 [↑](#footnote-ref-2)
3. [↑](#footnote-ref-3)
4. [↑](#footnote-ref-4)